

وقتی چرخ های خدمت در یک تعمیرگاه مکانیکی در محله التیمور می چرخد

سهم کوچک من از خدمت به وطن

۴



راه تجربه

تعمیرکار محله التیمور
تصمیم گرفت متنی
را بنویسد و در گروهی
محلی منتشر کند؛
متنی که در آن به ارائه
خدمات رایگان به
خودروهای گشت بسیج،
ارتش و سپاه اشاره داشت.
همدردی با مسافرانی که
تصمیم به ترک دیار خود و
اسکان موقت در کنار مضجع
امام رئوف^(ع) گرفته اند، بخش
دیگری از تصمیم اوست که با
استقبال مردم همراه شده است.

ادای دین

«در بین واکنش های مثبت فراوانی که بابت
تصمیمم گرفته ام، هستند کسانی که کنایه می زنند و
می گویند: توی این اوضاع که بعضی ها افتاده اند دنبال
احتکار و درآمد، هدف چیست از این کار بی جیره و
مواجب؟» مهدی در ادامه می گوید که نیمی از ده مراجعه
روزانه به مجتمع تعمیرگاهی اش، مربوط به خودروهایی
است که مشمول این طرح شده اند و
بابت تعمیرشان، نفع مادی عایدش
نمی شود.

او معتقد است این کار رانه از روی
بی نیازی مالی بلکه بنا به یک حساب
و کتاب عقلی ساده انجام می دهد:
«من توی همین مملکت و در سایه
امنیتش کار یاد گرفتم، کسب و کار
راه انداختم، ازدواج کردم، بچه دار
شدم و دارم زندگی ام را می گذرانم.

شما بگویند، بابت این همه خدمتی که دریافت کرده ام
و مدیونش هستم، تعمیر چند خودرو از حافظان امنیت
شهر یا کسانی که در شرایط جنگی، به شهرمان
پناه آورده اند، کار مهمی به حساب
می آید؟»

**من توی همین مملکت و در
سایه امنیتش کار یاد گرفتم، شما
بگویند، بابت این همه خدمتی که
دریافت کرده ام، تعمیر چند خودرو
از حافظان امنیت شهر، کار مهمی
به حساب می آید؟»**

تجاوز اسرائیل به کشورمان کلید خورده است، این طور بازگو
می کند: «حوالی ساعت ۹ شب بود. داشتم برمی گشتم خانه.
دیدم بچه های گشت بسیج جلو خودروهایی را که نیاز به بازرسی
دارند می گیرند. می دانم که تا صبح درگیر هستند؛ درگیر انجام
خدمتی بی منت، بی نمایش، بی مزد و بی ادعا. با خودم گفتم
این ها که از این راه درآمدی ندارند،
از خواب شبشان می مانند، باین
خستگی، صبح هم باید بروند
پی شغلشان. برای تشویق و
قدردانی از آن ها باید کاری
بکنم.»

به شکرانه امنیت

موتور، گیربکس، جلوبندی؛ فرقی
نمی کند جک باشد یا لیفان، پراید،
چری، ام وی ام، ریو، ال ۹۰... تقریباً از
هر نسل یک نمونه را در خودروهایی که
برای تعمیر به این مجتمع تعمیرگاهی
آورده اند می بینیم. در میان خودروهای
در صف تعمیر، یک دستگاه تویوتا
هایلوکس نظامی نیز به چشم می خورد
که تعمیر آن، رایگان است. او ماجرای
طرح ابتکاری اش را که از روزهای نخست

خدا حافظی با مدرسه

چرخ زنگ زده زندگی در روستای مرزی «ایوب پیغمبر»
از توابع شهرستان بجنورد، به سادگی نمی چرخد. پدر،
کشاورز ساده ای بود که ماه ها روی چند تکه زمین کار
می کرد تا با برداشت گندم، لوبیا و چغندر قند، نان حلال
سر سفره خانواده پنج نفره اش بیاورد، اما هزینه های
نتیجه زحمت هایش می چربید و روزگار، بادشواری های
مالی سپری می شد؛ «پسر بزرگ خانواده بودم و از بچگی،
کمک حال بابا. فرصتی برای مطالعه نداشتم با این حال
درس هایم خوب بود و نمره هایم جزو سه چهار نفر اول
کلاس. سوم راهنمایی را که تمام کردم، باید به دبیرستانی
می رفتم در روستای مجاور، فاصله اش تا روستای ماهفت
کیلومتر بود؛ مسیری که طی کردن آن روی ترک موتور در
سرماي استخوان سوز پاییز و یخبندان زمستان، سخت
و خطرناک بود.»

وضعیت نابسمان مالی و دشواری های رفت و آمد برای
تحصیل، مهدی را به خدا حافظی با مدرسه و سلام به
دنیای کار و امرار معاش، مجاب کرد.

آموختن در غربت

چند شاگرد نوجوان سرپا ایستاده اند و قصه زندگی
استادکار جوان خود را با دقت گوش می دهند. یکی دیگر
که جا افتاده تر به نظر می رسد، داخل چاله سرویس رفته
و در حال تعمیر خودرو سمند است. مکانیک خیراندیش
محله التیمور، اوضاع مجتمع تعمیرگاهی اش را ورنداز
و شاگردانش را راهنمایی می کند و سپس به مرور کردن
گذشته بازمی گردد. او روزهای نوجوانی و سردرگمی برای
انتخاب حرفه مناسب را به یاد می آورد و می گوید: «مدیون
یکی از رفقای پدرم هستم که من را به مکانیک شدن،
راهنمایی کرد. یک سالی را در بجنورد، شاگرد بودم و بعد
از آنکه الفبای کار را یاد گرفتم آمدم مشهد.»

زندگی به دور از پدر و مادر برای کسی که هنوز هفده سالگی
را هم پر نکرده بود، نمی توانست ساده باشد. هر چند رنج
تنهایی، با بودن بستگانی در مشهد که هوای مهدی را
داشتند، کمتر می شد با این حال همچنان تلخی خود
را حفظ کرده بود. دل خوشی او در سه سالی که در مشهد
به حرفه آموزی گذشت، یاد گرفتن نکته های تازه و
شیرین درآمدی بود که با زحمت به دست می آورد؛ «یک
سالی را رفتم تهران. آنجا تعمیر ماشین های مدل بالا به
پستم می خورد و کار را حرفه ای تر می کرد. سیزده سال
است برگشته ام مشهد. کار می کنم و شاگرد می گیرم. سه
چهار تایشان مستقل شده اند و مغازه زده اند.»

عکس ها: بهمنه فرخی / شهرآرامش